

با حمید تقوائی: وضعیت جمهوری اسلامی در سایه جنگ اوکراین

۱۶ مارس ۲۰۲۲ - مندرج در انترناسیونال ۹۴۶
این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

خلیل کیوان: تهاجم روسیه به اوکراین پیامدهای بسیاری برای کشورهای مختلف در صحنه جهانی و همینطور در منطقه داشته است. در این مصاحبه به تاثیرات این جنگ بر موقعیت جمهوری اسلامی میپردازیم.

حمید تقوایی این جنگ قطعاً تاثیرات زیادی بر صحنه سیاسی بین المللی خواهد داشت. در این میان جمهوری اسلامی نیز که متحد روسیه است از نتایج و تبعات جنگ بری نخواهد بود. شما این صحنه را چطور می بینید؟ این جنگ چه تاثیراتی بر جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی ایران و همینطور موقعیت بین المللی اش خواهد داشت؟

حمید تقوائی: این جنگ باعث شده است که دولت روسیه و مشخصاً پوتین تحت فشارهای شدید بین‌المللی قرار بگیرد. هم از نظر اقتصادی در اثر تحریم‌ها و هم از نظر سیاسی و کلاً اجتماعی به عنوان یک حکومت مهاجم به یک کشور کوچکتر همسایه با پرونده سنگینی از جنایتهای جنگی که در این سه هفته مرتکب شده است. علاوه بر تحریمهای اقتصادی اکثر قریب به اتفاق کشورهای سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی حمله روسیه به اوکراین را محکوم کرده‌اند و افکار عمومی دنیا نیز علیه این جنگ است. این شرایط باعث میشود که پوتین در یک موقعیت کاملاً ضعیفتری از گذشته قرار بگیرد و طبیعتاً بر موقعیت جمهوری اسلامی تأثیر مستقیمی خواهد داشت.

جمهوری اسلامی جزیی از بلوک روسیه و چین است، در سیاستهای منطقه ای همیشه در کنار روسیه بوده است، از نظر روابط دیپلماتیک و سیاسی در مقابل غرب و نزدیک به روسیه بوده است، و الان هم در رابطه با جنگ اوکراین حمله تبلیغاتی اش علیه آمریکا و

غرب است. گرچه جمهوری اسلامی به قطعنامه سازمان ملل در محکوم کردن حمله به اوکراین رای ممتنع داد ولی علنا دولت آمریکا و ناتو را مسئول جنگ میداند و از پوتین دفاع میکند. مجموعه این شرایط بنظر من باعث میشود که سرنوشت جمهوری اسلامی و پوتین در این جنگ به هم گره بخورد. با توجه به اینکه در اثر این جنگ موقعیت پوتین بسیار منزوی تر و ضعیفتر

از گذشته شده است جمهوری اسلامی هم با ضعف و انزوای بیشتری مواجه خواهد شد.

خلیل کیوان: کارشناسان و تحلیلگران سیاسی تا اینجا از شکست استراتژیک پوتین در این جنگ صحبت میکنند. ناظرین سیاسی میگویند که حتی اگر پوتین به پیروزی های نظامی دست پیدا کند مثلاً کی یف و شهرهای بزرگ را هم تسخیر کند فی الحال از نظر سیاسی شکست خورده است. این شکست چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی در سطح بین المللی، در منطقه و در خود ایران دارد؟

حمید تقوائی: این شکست، شکست جمهوری اسلامی هم خواهد بود. تا قبل از این حمله به

اوکراین، جمهوری اسلامی تحت فشار تحریم‌های اقتصادی سر میز مذاکره رفته بود به امید اینکه برجام را احیا کنند. اقتصاد جمهوری اسلامی از هم پاشیده است و نیاز فوری دارد که نه تنها تحریم‌ها برداشته بشود بلکه به نحوی به بازار اروپا و غرب راه پیدا کند. امروز پوتین هم به همین سرنوشت دچار شده است. تحریم‌هایی که روی روسیه است بسیار شدیدتر از تحریم‌هایی است که ترامپ علیه جمهوری اسلامی وضع کرده بود. بجز دولت آمریکا و اتحادیه اروپا، ۷ دولت دیگر نیز روسیه را تحریم کرده‌اند. بعلاوه بیش از سیصد شرکت بزرگ بین‌المللی نیز فعالیتهایشان در روسیه را متوقف کرده‌اند. به این ترتیب آن نیرو و قطبی که جمهوری اسلامی امیدوار بود که با اتکا به آن بتواند امتیازات بیشتری از غرب

بگیرد، بتواند به بازار جهانی برگردد، خود آن قطب هم الان تحت انواع فشارهای اقتصادی است. به این معنا از نظر اقتصادی این شکست، شکست جمهوری اسلامی هم هست.

از نظر سیاسی هم همانطور که شما اشاره کردید فی الحال این جنگ را پوتین باخته است و جمهوری اسلامی هم از این نظر منزوی تر و ضعیف تر خواهد شد. جمهوری اسلامی بخصوص در سیاستهای خارجی اش، رابطه اش با غرب و در روابط اش با دیگر کشورهای منطقه و غیره به نوعی به روسیه متکی است و ازینرو در موقعیت ضعیف تری در مقایسه با شرایط قبل از جنگ قرار خواهد گرفت.

مجموعه اینها نشان میدهد هر چقدر پوتین در این جنگ رو به سرانگیز شکست برود، هر قدر موقعیت بین المللی اش بیشتر تضعیف بشود، از نظر اقتصادی بیشتر تحت فشار قرار بگیرد، از نظر دیپلماتیک هر چه منزوی تر بشود، این بیشتر به ضرر جمهوری اسلامی خواهد بود چون او هم همین سیر نزولی را طی خواهد کرد. حال اگر توجه کنید که جمهوری اسلامی حتی قبل از حمله به اوکراین از نظر اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای در موقعیت ضعیفی قرار داشت متوجه میشوید که این ضربه، ضربه سختی برای جمهوری اسلامی خواهد بود. من فکر میکنم یکی از بازنده‌های جنگ اوکراین، جمهوری اسلامی است.

خلیل کیوان: دیدیم که سایه این جنگ روی برج‌ها

هم گسترده شد، کرم‌لین ادامه مذاکرات برجام را منوط به این کرد که منافعش تامین بشود و از آمریکا خواسته بود که تضمین بدهد در صورت توافق بر روی برجام اجرای تحریم‌های تازه‌ای علیه روسیه بکار برده نمیشود و همکاری تجاری اش با ایران تحت تاثیر این مسئله قرار نمیگیرد و نکاتی از این دست. آیا این گروکشی کرم‌لین واقعا بخاطر تضمین تجاری با جمهوری اسلامی بوده یا منافع دیگری را دنبال میکرده است؟

حمید تقوائی: من فکر میکنم تنها قالب و فرم طرح مساله اقتصادی است. روسیه موضعی خودش را در این چارچوب بیان کرده که تحریمها علیه روسیه نباید به برجام تسری پیدا کند و روسیه بتواند ارتباط اقتصادی اش را با جمهوری اسلامی

همچنان حفظ کند. این چهارچوب طرح مساله است ولی به نظر من علت واقعی این نیست. من فکر نمیکنم رابطه اقتصادی با جمهوری اسلامی چنان تاثیری بر انزوای جهانی و تحریم اقتصادی پوتین در سطح دنیا بگذارد که بتواند حتی آنرا تخفیف بدهد. روسیه از نظر اقتصادی، به خصوص صادرات نفت و گاز، اساساً به رابطه با اروپا و جهان غرب نیازمند است و نه با جمهوری اسلامی. می‌خواهم بگویم از نظر اقتصادی گرچه بالاخره اگر برجام را مشمول این تحریم‌ها نکنند امتیازی برای روسیه محسوب میشود ولی دردی از نظر اقتصادی از روسیه دوا نخواهد کرد. مانع تراشی اخیر روسیه بر سر راه برجام به نظر من اساساً سیاسی است. روسیه به این ترتیب دارد اعلام میکند که چون ما را تحریم کردید ما پای

توافقاتی که با غرب داشتیم نمی ایستیم. دارد به یک نحوی جواب تحریمهای غرب را میدهد و با متوقف کردن عملی برجام در واقع در مقابل غرب قدرتمائی میکند. شرط هایی مطرح کرده که برجام عملاً معلق بشود. از سوی دیگر مقامات آمریکا مدام تکرار کرده اند که تحریمهای اقتصادی به برجام بی ربط است. حتی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه میگوید که این را کتبا هم به ما گفته اند که ما برجام را مشمول این تحریم های اقتصادی بین المللی نمی دانیم. این بحث هم مطرح است که ممکن است دولت آمریکا و کشورهای اروپائی راه دیگری برای برجام بدون روسیه پیدا کنند. در هر حال سرنوشت برجام هر چه باشد این مانور روسیه قرار است این پیام را به غرب بدهد که یک نتیجه منفی تحریمهای

اقتصادی علیه روسیه به هم خوردن قراردادها و تعهدات بین المللی است.

خلیل کیوان: مساله دیگر سیاستهای منطقه ای روسیه و جمهوری اسلامی است. اکنون یک توازنی در سوریه برقرار است. اسرائیل از یکسو به روسیه نزدیک شده و از سوی دیگر در سوریه علیه نیروهای جمهوری اسلامی عملیات نظامی میکند. با توجه به اینکه اسرائیل، گرچه بتدریج، در مقابل جنگ وتهاجم روسیه موضع گیری کرد، آیا این امر باعث نمیشود روسیه از اسرائیل دور بشود و در واقع یک مقدار در معادلاتی که در سوریه هست به نفع جمهوری اسلامی تغییراتی ایجاد شود و این فضایی که فعلا موجود است بهم بخورد؟

حمید تقوائی: جنگ اوکراین این فضا را فی الحال بهم زده است به این معنی که روسیه که در خاورمیانه یک قدرت منطقه ای بود و حتی نسبت به آمریکا دست بالاتری داشت موقعیتش را از دست میدهد.

ببینید! قبل از حمله به اوکراین ناتو تقریباً یک پیکر نیمه جانی بود، اهمیت زیادی نداشت و نقش و تاثیرش در دنیا زیاد معلوم نبود. این حمله به اوکراین بنحوی ناتو را و در نتیجه کمپ غرب را احیا کرد. روشن است که این به ضرر روسیه است.

تا جایی که به سوریه و تقابل اسرائیل و جمهوری

اسلامی در این کشور برمیگردد، میدانید که سوریه و جمهوری اسلامی جزئی از بلوک روسیه و چین هستند منتهی در رابطه اسرائیل با جمهوری اسلامی این امر تاثیر چندانی ندارد. اسرائیل در حالی که به پوتین نزدیک بوده در هر فرصتی در سوریه به نیروهای جمهوری اسلامی حمله کرده و یا با پهپاد به مقرات مختلف سپاه و مراکز هسته ای جمهوری اسلامی حمله کرده است و از این به بعد هم این سیاست را ادامه خواهد داد. از این نقطه نظر من فکر نمیکنم که اسرائیل در اثر جنگ اوکراین در سیاستهایش تجدید نظری بکند. حتی شاید تعرضی تر هم بشود. تاثیر جنگ اوکراین تضعیف پوتین و روسیه در منطقه است ولی این به معنی تضعیف موقعیت اسرائیل در منطقه نیست. بلکه برعکس به تقویت موضع

اسرائیل در منطقه و تضعیف جمهوری اسلامی
منجر خواهد شد.

خلیل کیوان: شکست پوتین و یا کوتاه آمدنش در
اوکراین چه تاثیری بر موقعیت جمهوری اسلامی
در سوریه خواهد داشت؟

حمید تقوائی: تاثیر شکست پوتین این خواهد
بود که جمهوری اسلامی در سوریه و کل منطقه
موقعیت ضعیفتری پیدا خواهد کرد. کلا بعد از
این جنگ روسیه دیگر آن وزنی که در خاورمیانه
داشت را از دست خواهد داد و به همین دلیل
جمهوری اسلامی نیاز خیلی بیشتری پیدا خواهد
کرد که هر چه سریعتر با غرب به توافق برسد.

این را هم بگوییم که هر اتفاقی بیفتد جمهوری اسلامی از رتوریک و تبلیغات و گفتمان ضد آمریکایی اش دست نخواهد شست. این جزئی از ماهیت حکومت است. این جنگ و پیامدهایش تناقض بین تبلیغات و پروپاگانداي ضد غربی جمهوری اسلامی با سیاست عملی که مجبور است در دنیا دنبال کند را بیشتر میکند و در نتیجه دعواها و کشمکش های بین جناحها هم گسترش پیدا خواهد کرد. این هم یکی دیگر از عوارض جنگ اوکراین برای جمهوری اسلامی خواهد بود.

خلیل کیوان: طی روزهای گذشته حملات موشکی از سوی سپاه به اربیل در کردستان عراق انجام گرفت. بهانه جمهوری اسلامی این بود که

در آنجا اسرائیلی ها مخفیانه حضور دارند. آیا این بهانه ای که میآورند واقعی است یا رابطه ای بین این موشک پراکنی و جنگ در اوکراین دیده میشود؟

حمید تقوائی: به نظر من این موشک پراکنی های اخیر ربط چندانی به جنگ اوکراین ندارد. قبل از هر چیز اینکه به مقر اسرائیل حمله کرده اند پوچ است. اسرائیل مقری در اریل ندارد. جمهوری اسلامی هر تعرضی به هر کشوری در منطقه میکند بنحوی پای اسرائیل را هم به میان میکشد که حمله اش را توجیه کند.

حمله اخیر به اریل یک نوع تلاش برای تاثیر گذاری بر شرایط سیاسی در عراق است که بویژه

در یکساله اخیر مدام به ضرر جمهوری اسلامی در حال تغییر بوده است. در این مورد معین این بیشتر به یک قدرت نمایی از سر ضعف، به یک نوع قدرت نمایی دون کیشوت مابانه شبیه است. اسرائیل اخیرا با پهباد به تاسیسات نظامی جمهوری اسلامی در کرمانشاه حمله کرد و یا در سوریه در اثر حمله اسرائیل دو افسر سپاه جمهوری اسلامی کشته شدند. ظاهرا حمله موشکی به اربیل به جبران این حملات صورت گرفته اما نتیجه اش تنها وارد کردن خسارت به ساختمان‌های بوده است که هیچ ربطی با اسرائیل نداشته! این یک نوع انتقام‌گیری دون کیشوت مابانه است که بیشتر ضعف جمهوری اسلامی را به نمایش میگذارد.

به نظر من علت دیگر این حملات موشکی جمهوری اسلامی، علاوه بر اعاده موقعیت از دست رفته اش در عراق، اینست که شرایطی که مشغول مذاکره برجام هستند میخواهند به غرب نشان بدهند که هنوز قادریم که با موشکهای دوربرد به کشورهای همسایه ضرب شست نشان بدهیم، هنوز در منطقه مطرح هستیم و امیدوارند این بر سر میز مذاکرات وین که بنوعی به بن بست رسیده است و کلا در رابطه با غرب ابزاری بشود برای امتیازگیری بیشتر.

خلیل کیوان: برویم سراغ جناح بندی ها در حکومت. به نظر شما جنگ اوکراین چه تاثیری بر رابطه باندهای حکومتی با یکدیگر خواهد داشت؟

حمید تقوائی: در اثر جنگ اوکراین مساله رابطه با غرب که یکی از محورهای همیشگی اختلاف در میان باندهای حکومتی بوده به شکل حادثی مطرح میشود.

از زمان رفسنجانی و حتی از زمان بنی صدر این مساله چگونگی رابطه با غرب و مشخصا آمریکا همیشه یکی از مسائل مورد اختلاف دسته بندی های حکومت بوده است. از یکسو بطور واقعی، از نظر اقتصادی و از نظر حتی سیاست بین المللی جمهوری اسلامی نیازمند رابطه با غرب است و از سوی دیگر نمیتواند از سیاست و گفتمان و رتوریک ضد غربی و ضد آمریکائی اش دست بکشد چرا که این به معنی نفی هویت

ایدئولوژیک - استراتژیکش خواهد بود. تعلق جمهوری اسلامی به بلوک روسیه منطبق بر هویت غرب ستیزانه او است اما این امر هر روز به وزنه سنگین تری بر پای اقتصاد بحران زده حکومت تبدیل میشود. این یک مساله واقعی است و هر چه بیشتر حکومت بطرف سقوط میرود - که امروز از نظر اقتصادی و سیاسی همه شان این را پیش بینی میکنند - ضرورت برقراری رابطه با غرب بیشتر به محور دعوای داخلی حکومت تبدیل میشود.

هفته پیش یکی از اقتصاد دانان حکومت گفته بود که این لوکوموتیو دارد به ته دره میرود. منظورش از نظر اقتصادی و گرانی ها و تورمی بود که در جامعه حاکم شده است و با نرخ سرسام آوری

افزایش پیدا میکند. همه شان می بینند که جامعه در حال انفجار است و این واقعیت را هم میدانند که بالاخره ناگزیرند به نحوی با غرب کنار بیایند. حتی مقامات دست اندر کار دولت فعلی، دولت رئیسی که تماما خط امامی است، از این صحبت میکنند که ما داریم ورشکسته میشویم، داریم به ته دره میرویم و باید راه حلی پیدا کرد. معلوم است که این راه حل رابطه با چین و روسیه نیست.

از نظر اقتصادی چین و روسیه نمیتوانند جمهوری اسلامی را نجات بدهند. اگر می توانستند در این مدتی که بر جام به این ترتیب کنار زده شده بود و تحریم های اقتصادی تشدید شده بود باید به داد جمهوری اسلامی میرسیدند. در این دوره بیرون آمدن آمریکا از برجام و تشدید تحریمها بر همه

حکومتی‌ها از هر دو جناح معلوم شد که با طناب روسیه و چین نمی‌شود ته چاه رفت. این امر، با جنگ اوکراین که خود روسیه را نیز با تحریم و بحران اقتصادی شدیدی مواجه کرده است، بیش از پیش به جمهوری اسلامی می‌فهماند که راه دیگری بجز برقراری رابطه اقتصادی و حتی نزدیکی سیاسی و دیپلماتیک با غرب ندارد.

اما مشکل همیشگی جمهوری اسلامی که چگونه در عین تعامل با غرب هویت و چهره و زبان و پروپاگانداي ضد آمریکایی خودش را حفظ کند کماکان بر جای خود باقی میماند. این تناقض را مدت‌هاست جمهوری اسلامی با خودش حمل میکند و ریشه تنش‌ها، اختلافات، درگیری‌های جناح‌ها همیشه این بوده و امروز بیشتر

از گذشته اینطور است. با تضعیف پوتین در اثر جنگ اوکراین گفتمان نزدیکی با غرب در میان صفوف حکومت تقویت میشود و این تناقضی که همیشه حکومت با آن مواجه بوده است تشدید خواهد شد.

خلیل کیوان: با این حساب میشود گفت که جناح بندی ها به این صورت است که یک عده شان روسو فیلی اند و یک عده شان آمریکایی؟

حمید تقوائی: بله میتوان به این عنوان از دسته بندهای حکومت نام برد منتهی باید توجه داشت که همانطور که اشاره کردم تعلق به بلوک روسیه خط غالب و هویتی و اساسی جمهوری اسلامی است. تا به آن حد که خط مقابل هم جرات نمیکند

خودش را طرفدار کمپ غرب معرفی کند بلکه بیشتر خودش را در مقابل روسیه تعریف میکند . مثلا انتقادش به جناح روسوفیل در این سطح است که شعار نه شرقی نه غربی را کنار گذاشته اید و ما را به مستعمره روسیه بدل کرده اید و غیره. در جمهوری اسلامی هیچ مقامی نمیتواند صریحا از نزدیکی با آمریکا حرف بزند. این تاکید بر نه شرقی نه غربی صورت ظاهر تاکید بر روی آوری به غرب است. بدنبال جنگ اوکراین خط نزدیکی به غرب تقویت خواهد شد و زبان تعرضی تر و صریح تری پیدا خواهد کرد.

۱۶ مارس ۲۲

باتشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام